

قلعه‌های اسماعیلیان در کوره آرجان: پژوهشی باستان‌شناختی^۱

حسین سپیدنامه^۲

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

احمد صالحی کاخکی

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

سید هاشم حسینی

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

ابراهیم رایگانی

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

در منابع تاریخی درباره حضور اسماعیلیان در کوره/ ناحیه ارجان، در جنوب غربی ایران، و به‌ویژه قلاع و استحکامات آنان گزارش‌های پراکنده‌ای در دست است. بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلعه‌های منتسب به اسماعیلیان در این ناحیه هدفی است که این مقاله دنبال کرده است. استحکامات موجود در این ناحیه، نشان از اهمیت بسیاری از قلاع و دژهای دفاعی طی سده‌های میانه اسلامی دارد که تنها با همسنجی آن‌ها با متون تاریخی و مطالعات اکولوژیکی می‌توان به اهمیت و جایگاه آن‌ها پی برد. اسماعیلیان به سبب

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲

این مقاله برگرفته از رساله دکتری حسین سپیدنامه با عنوان «بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلاع و استحکامات کوره ارجان از صدر اسلام تا پایان دوره سلجوقی از منظر جغرافیای اداری (با تأکید بر قلاع کوه‌گیلویه)» است که در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳۰ از آن در دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است. از دکتر احمد آزادی (پژوهشکده باستان‌شناسی) که اطلاعات اولیه قلاع و دژهای کهگیلویه را نیز در اختیار نویسنده نخست مقاله قرار دادند، و همچنین مساعدت کارکنان محترم یگان میراث فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، به‌ویژه مجتبی صلاحی نژاد و محمدعلی نوروزنژاد، و دوستان عزیزم سجاد افشکی و محمود پادگرانی، که در بازدید از قلعه‌ها همراهی نمودند، بسیار سپاسگزاریم.

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): h.sapidnameh@au.ac.ir

موقعیت جغرافیایی راهبردی و اهمیت اقتصادی کوره آرژان از اوایل قرن پنجم هجری، به این منطقه وارد شدند. براساس متون تاریخی و همسنجی با شواهد باستان‌شناختی، قلاع اسماعیلیان در این شامل قلعه-های نادر(ناظر)، جلادجان، طنبور و دیرآب بوده که حاکی از حضور پیروان این فرقه در ناحیه ارجان و فعالیت‌های سیاسی- نظامی آن‌ها در این ناحیه به‌ویژه در دوره سلجوقی است.

کلیدواژه‌ها: اسماعیلیان در ایران، قلعه‌های اسماعیلیه، جغرافیای تاریخی آرژان، رابطه اسماعیلیان و سلجوقیان.

مقدمه

در منابع تاریخی، قلاع متعددی مانند قلعه الناظر^۳، قلعه جلادجان^۴ و قلعه طنبور^۵، در کوره آرژان به اسماعیلیان منتسب شده‌است. مطالعات اکولوژیکی، جغرافیایی و بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلاع این کوره، در تعیین موقعیت آن‌ها مؤثر خواهد بود. محدودیت‌هایی که در خصوص این قلاع و انتساب برخی از آن‌ها به اسماعیلیان وجود دارد، این است که مدارک نوشتاری هم عصر با بناها، وجود ندارد و اطلاعات مختصر منابع مکتوب، مربوط به چند قرن پس از ساخت آن‌ها است. در کتاب ارزشمند قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه با استناد به کتاب فدائیان اسماعیلی برنارد لوئیس، به فتح قلاع اسماعیلی جنوب آرژان توسط سپاهیان محمد تپر، شکست نظامی و فروپاشی قدرت آنان در این کوره اشاره شده‌است.^۶ در صورتی که لوئیس هنگام محاصره قلعه شاهدژ، شرط احمد بن عطاش برای تسلیم قلعه به سپاه سلطان محمد سلجوقی، حرکت محافظان شاهدژ به سوی مراکز

۳. ابن اثیر، ۲۹۳/۱۷؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۹۷؛ جمال الدین ابوالقاسم کاشانی، ۱۵.

۴. ابن اثیر، ۲۹۳/۱۷؛ ابن بلخی، ۳۵۳.

۵. ابن اثیر، ۲۹۳/۱۷؛ ابن خلدون، ۱۳۴/۳؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۹۷؛ مستوفی، ۱۳۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷/۲.

۶. ویلی، ۶۰.

اسماعیلی در طبس، آرژان و الموت آورده است.^۷ بنابراین، لوئیس، نه به قلاع جبهه جنوبی آرژان اشاره کرده و نه به حمله سلطان محمد سلجوقی. دیگر محققان نیز از دژهای متعددی در کوره آرژان یعنی قلعه ناظر/نادر، قلعه طنبور، دز کلات، قلعه حص و قلعه هلادان/ دزکوه نام برده‌اند،^۸ با این وجود، هیچ گونه اطلاع دقیق و مستندی از این استحکامات دفاعی انتشار نداده‌اند. در واقع، این پژوهش تکمیل‌کننده پژوهش باستان‌شناختی کتاب قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه است که نویسنده آن به دلایل مختلف نتوانسته است قلعه‌های کوره آرژان را بررسی و مطالعه باستان‌شناختی کند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است: بسامد قلعه‌های منتسب به این جنبش سیاسی - مذهبی، تا چه اندازه با متون تاریخی همخوانی دارد؟

حضور اسماعیلیان نزاری در کوره آرژان

کوره آرژان در غرب فارس و شرق خوزستان، به واسطه موقعیت ارتباطی آن‌ها در طول دوران تاریخی و اسلامی، همواره محل آمد و رفت‌هایی با اهداف گوناگون بوده است. درباره حضور داعیان اسماعیلی در این منطقه تا سده پنجم هجری، آگاهی چندانی از متون تاریخی حاصل نمی‌گردد. با این وجود، اما از نشانه‌های حضور آنان در فارس و آرژان، پیش از حسن صباح و تشکیل دولت نزاری، یعنی نیمه اول سده پنجم هجری، می‌توان از ظاهر شدن هفت امامی‌ها در فارس و اسماعیلی شدن ابوکالیجار بویه‌ی حاکم فارس و آرژان (۴۴۰-۴۱۵ هـ) و شماری از سپاهیان او،^۹ یاد کرد.

در نیمه دوم سده پنجم هجری، حسن صباح در بازگشت از مصر، ابتدا به بغداد و سپس به خوزستان می‌آید و تمام بزرگان اسماعیلیه (داعیان و پیروان) را خبر داده، که امام

۷. لوئیس، ۲۰۷.

۸. اقتداری، ۳۹۲؛ ویلی، ۲۹۰؛ هاجسن، ۲۷۲.

۹. ابن بلخی، ۱۱۹.

برحق پس از مستنصر بالله، نزار است و سپس به اصفهان می‌رود.^{۱۰} بعید نیست که با توجه به نزدیکی آرجان با سرحدات خوزستان مانند رامهرمز، با اسماعیلیان در ناحیه آرجان نیز، ارتباطاتی برقرار کرده باشد، زیرا هدف او آگاه کردن همه اسماعیلیان، به خصوص داعیان، از جانشینی نزار بوده است. داعی ابوحمزه در آرجان، نزدیک‌ترین دوست، یار دلیر، موقع شناس و هوشیار حسن صباح بود که فرستاده وی، به حضور برکیارق؛ فرزند ارشد سلطان ملکشاه سلجوقی، برای جلب حمایت از نیروهای اسماعیلی و پذیرفتن کیش باطنی، در ازای حمایت اسماعیلیان از وی، در مقابل به سلطنت رساندن محمد؛ فرزند کوچک ملکشاه توسط ترکان خاتون بود.^{۱۱} ابن‌اثر در ذیل بیان قلاعی که اسماعیلیان بر آن‌ها استیلا یافته بودند، ضمن اشاره به دو قلعه مهم الناظر و قلعه طنبور به دست اسماعیلیان به رهبری داعی ابوحمزه اسکاف، راجع به شیوه تصرف قلعه خلازجان (جلادگان) در میانه فارس و خوزستان، که دزدار امیر (امیر اُثر) از قِبَل سلطان ملکشاه، والی آن ناحیه بود، می‌نویسد:

«... باطنیه، شخصی پیش دزدار فرستاد که: چون تو را در حقیقت مذهب ما تردّد است، اگر رخصت باشد، ما یکی از دانایان مذهب خود به خدمت تو فرستیم، تا او حقیقت این مذهب را، بر ملازمان به دلایل معقوله و منقوله واضح سازد و هر دغدغه که به خاطر شریف ایشان می‌رسیده باشد، به وجه معقول دفع آن نماید. چون این پیغام، به سمع دزدار رسید، قبول این معنی نموده، رخصت داد که: اگر شخصی حقیقت این مذهب، خاطر نشان من کند، مرا در اطاعت مذهب حق هیچ توقّف نخواهد بود. بنابراین، باطنیه یکی از دیلمیان را به آن قلعه فرستاد، که به دلایلی که در طرق ایشان می‌باشد، حقیقت آن مذهب خاطر نشان دزدار نموده، او را به آن مذهب درآورد. دیلمی چون به آن قلعه رسید، چند روز، هر روز میانه او و دزدار، در تحقیق مذهب اسماعیلیه سخنان می‌گذشت. در خلال این حال، دیلمی در مقام فریفتن یکی از غلامان دزدار، که قریب پیش او به مرتبه‌ای رسیده بود، که مفاتیح آن

۱۰. همان، ۸۹.

۱۱. نجمی، ۷۰.

قلعه به او سپرده بود، درآمده آن غلام را آنچنان معتقد و مرید خود گردانید، که بر قتل صاحبش، با او متفق شد و چون دیلمی صحبت را به این سرحد رسانید، کس به آرژان فرستاده، جمعی از فدویان را طلب داشت. چون آن جماعت به حوالی آن قلعه رسیدند، دیلمی به اتفاق آن غلام، دروازه قلعه را باز کرده، در نصف شب ایشان را به درون قلعه درآورده، همان لحظه بی‌خبر بر خانه دزدار ریخته، او را دست و گردن بسته در زندان کردند و چون اکثر اهالی آن قلعه را، رند دیلمی به مذهب خود درآورده بود، همه در مقام اطاعت و انقیاد شده، قلعه را به او تسلیم کردند. غیر از این قلاع، چندین قلعه دیگر نیز در تحت تصرف آن طایفه درآمده بود.^{۱۲}

ابن خلدون، ضمن تکرار مطالب ابن اثیر، نخستین قلعه متصرفی اسماعیلیان را، از حدود فارس می‌داند که: «صاحب آن قلعه همکیش آن‌ها بود. اسماعیلیان همه در آن قلعه نزد او گرد آمدند و در آن‌جا رهگذران را، از جاده در می‌ربودند و مردم آن نواحی از ایشان رنج بسیار دیدند».^{۱۳} اگر چه او به نام قلعه و یا به داعی آن‌ها در این زمان، هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده است.

طی سده پنجم هجری، ناصر خسرو نیز در بازگشت از سفر حج، از بصره به کوره آرژان وارد می‌شود (تصویر ۱) و ضمن حضور در مهروبان، به شهر آرژان وارد می‌شود، اما جز به توصیف شهر و بحث و سوال در زمینه هندسه و حساب و کلام با امام معتزلی شهر، به نام بوسعید بصری، به نکته دیگری نپرداخته است.^{۱۴} وضعیت شهر و راههای آرژان پس از ۴۴۴ هـ، به دلیل جنگ و خصومت پسران باکالیجار، ناامن و مشوش گشته بود، به طوری که ناصر خسرو برای طی کردن ادامه مسیر خود از مهروبان به آرژان، از مردی دانشمند به نام «شیخ سدید محمد بن عبدالملک» کمک می‌خواهد و او با فرستادن سی مرد پیاده

۱۲. ابن اثیر، ۳۱۹.

۱۳. ابن خلدون، ۱۴۹/۳.

۱۴. ناصر خسرو، ۱۲۰.

مسلح، او را به ارجان می‌رساند.^{۱۵} اما این‌که این فرد دانشمند از چه جایگاهی برخوردار بوده که این تعداد نفرات جنگی را در اختیار داشته‌است، جای تأمل دارد. آیا او اسماعیلی بوده که ناصر خسرو به او اعتماد کرده‌است؟ ایوانف به درستی پرده از ابهام برداشته و چنین کمک‌هایی را از سوی افراد مسیر راه خویش، به واسطه اسماعیلی بودن آن‌ها می‌داند که ناصر خسرو آگاهانه از آنان درخواست احسان و کمک نموده‌است و بدین ترتیب، او چنین تصور می‌کند که جاده‌ای که او برای سفر انتخاب می‌کند، پر از پناهگاه‌های اسماعیلیان بوده تا بتواند در اثنای سفر به سیورسات و تدارکات لازم دست پیدا کند.^{۱۶} ناصر خسرو پس از ارجان برای سفر به اصفهان از تنگ شمشیربریده (در دره لیراب دیشموک) نام می‌برد که زرکوب شیرازی آن‌جا را نیز از مراکز اسماعیلیه دانسته‌است.^{۱۷} نزدیکی زمان حضور حسن صباح و ناصر خسرو در ارجان و ظهور اسماعیلیان و ابوحمزه اسکاف در آغاز شکل‌گیری دولت سلجوقی، حاکی از یک برنامه‌ریزی سنجیده برای دعوت و ملاقات با پیروان امام اسماعیلی آن‌ها، در این منطقه بوده‌است.

برخی منابع، آغاز فروپاشی حضور اسماعیلیان ناحیه ارجان را به قلع و قمع بسیاری از آن‌ها به دست نیروهای چاولی سقادوا، در ۴۹۴هـ، در ناحیه بین ارجان و رامهرمز دانسته‌اند که طی حمله‌ی، ۳۰۰ تن از بزرگان و اعیان اسماعیلی کشته شدند و تنها سه نفر گریخته، جان سالم به در برده و چارپایان و دارایی آنان، به غنیمت گرفته شد.^{۱۸} ظاهراً حتی این کشتار بی‌رحمانه، پایان سیطره اسماعیلیان بر ناحیه ارجان نبوده‌است، زیرا صاحب جامع التواریخ، در ذکر ایام جلوس کیابزرگ امید؛ یعنی داعی دوم پس از حسن صباح (د ۵۳۲هـ) اشاره می‌کند که: «بزرگ امید بفرمود تا بر سعادت کوه _ که پیش از این قلاجکوه

۱۵. همانجا.

۱۶. ایوانف، ۴۲۷.

۱۷. ناصر خسرو، ۱۲۰؛ زرکوب شیرازی، ۵۷.

۱۸. ابن‌اثیر، ۲۹۴/۱۷.

گفتندی_ قلعه‌ای بساخت و ذخیره از بنه آرژان مهیا کردند».^{۱۹} این امر نشان می‌دهد که آرژان به عنوان منبع اقتصادی برای دولت اسماعیلی، در روزگار دومین حاکم اسماعیلی نیز، مطرح بوده‌است و اسماعیلیان هنوز با داشتن قلاع و احتمالا اعمال قدرت خویش در این ناحیه، قلعه‌هایی را در اختیار داشته‌اند. اما نکته‌ای که مورخان سده‌های میانه، از اقدامات اسماعیلیان در ناحیه آرژان، به کرات در کتب خویش ذکر کرده‌اند، این است که افزون بر راهزنی در کوره آرژان، با حمله به شهرهای متعدد آن، به ویرانی شهرهای آرژان، بوستانک و زیز پرداختند.^{۲۰} نکته جالب توجه در خصوص اسماعیلیان در کوره آرژان آن است که با وجود حضور فعال آن‌ها در این منطقه، به جز اشارات کوتاه به داعی ابوحمزه اسکاف،^{۲۱} از هیچ یک از شخصیت‌های آنان، در منابع تاریخی ذکری به میان نیامده‌است. حتی از بزرگانی که شمار آن‌ها به سیصد تن می‌رسید و توسط چاولی به قتل رسیدند، هیچ آگاهی نداریم. با این وجود، در شرح حال بوسعید (ابوسعید ابوالخیر؛ ۳۵۷-۴۴۰هـ) در اواخر دوره آل‌بویه، از درویشی به نام حمزه سکاک (کاردگر) یاد شده‌است، که پیشه‌ور و از مریدان شیخ بوده‌است.^{۲۲} پیشه‌وران با گرایش به دراویش و صوفیان مانند قرامطه، سازمان‌های پیشه‌وری را به وجود آورده بودند، که همانند دسته‌های مسلح عیاران، در رنج از دست دادن زمین خود، به شهرها رو نهاده بودند و از این رو، حسن صباح نیز تبلیغات بسیاری

۱۹. رشیدالدین فضل‌الله، ۱۱۱.

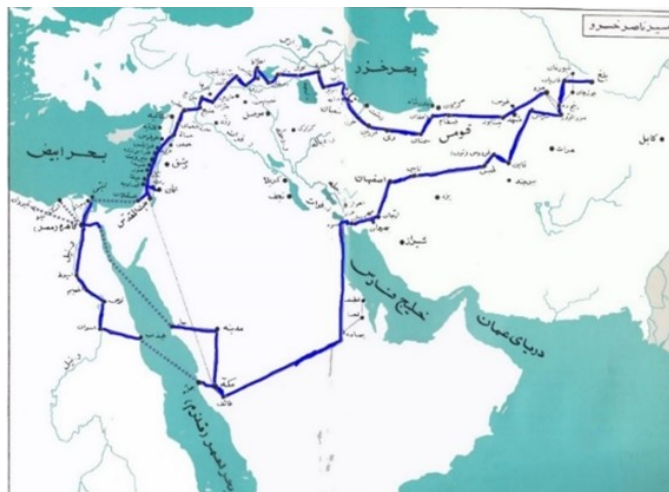
۲۰. ابن بلخی، ۱۴۷؛ گاوبه، ۱۰۲.

۲۱. اسکافی، نسبتی به ساکنین شهر اسکاف در ناحیه نهروان عراق است. صاحب‌البلدان از دو شهر اسکاف بالا و اسکاف پایین یاد نموده، که زیرک‌ترین مردم در آن‌جا زندگی می‌کنند. همچنین اساکفه گروهی از معتزلیان بوده‌اند که به ابوجعفر محمدبن عبدالله اسکافی (متولد ۲۴۰هـ) منسوب هستند که علیرغم اصلیت سمرقندی او، به واسطه سکونت در اسکاف، اسکافی خوانده شده‌است. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: خطیب بغدادی، ۲۴۵/۱؛ ابن‌فقیه،

۲۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳/۱۷-۱۳۲.

۲۲. برتلس، ۵۳.

برای تغییر کیش بازاریان و سایر ساکنان شهرها صورت داد.^{۲۳} این که حمزه سکاکی، همان ابوحمزه اسکافی بوده باشد، دور از ذهن نیست. احتمال می‌رود که ابوحمزه اسکافی، پس از ورود به ایران برای امر دعوت، به کاردگری پرداخته باشد و روزگاری نیز همنشین ابوسعید ابوالخیر بوده باشد و پس از مرگ او، آرجان را برای دعوت برگزیده باشد. به هر حال، هنوز هویت ابوحمزه، داعی ارجانی در بوته‌ای از ابهام واقع است که از سرنوشت او اطلاعی حاصل نمی‌شود.



تصویر ۱. مسیر حرکت ناصر خسرو از بلخ به مصر و بازگشت به بلخ^{۲۴}

قلاع اسماعیلیه کوره آرجان: شواهد باستان‌شناختی

۱. قلعه نادر (قلعه الناظر)

یکی از دژهای فوق‌العاده با اهمیت منتسب به اسماعیلیان، قلعه الناظر بوده که در مرز میان فارس و خوزستان، در ناحیه مرزی میان آرجان و بوستانک با رامهرمز در خوزستان، قرار

۲۳. همو، ۵۱؛ کیوانی، ۴۳.

۲۴. وزین‌پور، ۱۳۵۴.

گرفته است.^{۲۵} اهمیت قلعه الناظر برای اسماعیلیان به حدی بوده است که هنگامی که ابن عطاش در قلعه شاه‌دژ در محاصره سلجوقیان قرار گرفت، یکی از خواسته‌های سلجوقیان برای پایان درگیری این بود که افزون بر فرستادن برخی از همراهان به قلعه الموت، کسی را مامور کنند تا برخی از اسماعیلیان قلعه شاه‌دژ را تا این قلعه (قلعه الناظر) که در دست یاران اسماعیلی بود، همراهی کنند^{۲۶} که نشان می‌دهد این قلعه جایگاهی در حد قلعه الموت داشته است. به نظر می‌رسد قلعه ناظر، برای کنترل و اشغال شهر بوستانک یا تشان امروزی از شهرهای کوره آرژان^{۲۷}، در سرحد آن با خوزستان^{۲۸} در مسیر رامهرمز به آرژان، به تصرف اسماعیلیان درآمده باشد.^{۲۹}

آثار این قلعه امروزه با نام «قلعه نادر» در پنج کیلومتری غرب شهر لیکک و ۷۰۰ متری جنوب شرقی روستای گذارتختی، واقع شده است (تصویر ۲، الف و پ). شواهد باستان‌شناختی چون سفال‌های دوران اسلامی از سده سوم تا ششم هجری (تصویر ۳؛ جدول ۱)، برج‌های دیده‌بانی، اشکفت‌های کنده‌شده در کوه، برج‌های دیده‌بانی و سازه‌های مرتبط با تأمین آب در قلعه مانند آب‌انبار (تصویر ۲، ب) و حوض آب، از مهم‌ترین آثار برجای مانده از قلعه نادر است. در فاصله یک کیلومتری شمال کوه قلعه نادر و در ارتفاع پایین‌تر این قلعه، دژ دیگری به ابعاد ۱۲۰ در ۲۱۰ متر بر یک سطح شیب‌دار با مصالح لاشه سنگ‌های بزرگ و کوچک به صورت خشکه‌چین قرار دارد که احتمالاً یک پادگان نظامی متشکل از سربازان، در آن‌جا مستقر بودند (تصویر ۲، ت). در فواصل ۱۵-۲۲ متری دیوارهای بیرونی آن (به ضخامت ۱۵۰ سانتی‌متر)، جرزهای سنگی نیمدایره‌ای بارو، به

۲۵. سپیدنامه و دیگران، ۱۳۹۹.

۲۶. میناسیان، ۱۵۶.

۲۷. گاو به، ۱۶۷.

۲۸. ابن بلخی، ۱۶۲؛ مستوفی، ۱۵۶.

۲۹. حسینی‌منشی، ۳۵.

عرض ۲/۵ متر و شعاع ۱/۵ متر قرار گرفته‌اند. ضلع شرقی و جنوبی این دژ شامل دو ردیف اتاق است که به موازات یکدیگر قرار گرفته‌است، اما در ضلع شمالی تنها یک ردیف اتاق وجود دارد. طول این اتاق‌ها ۲ تا ۶ متر متغیر و عرض آن‌ها تقریباً ۲۵۰ سانتی‌متر است.

به سه دلیل این قلعه در حوزه استحفاظی و اداری کوره آرجان و از مراکز مهم اسماعیلیان بوده‌است: ۱. نخست این‌که، به استناد منابع تاریخی، بلاد واقع میان رامهرمز و آرجان به مرکزیت شهر بوستانک، به عنوان بخشی از کوره آرجان، قلمرو فرمانروایی چاودلی سقادوا در اواخر دوره سلجوقی بوده‌است، به طوری که برای رفع ناامنی این ناحیه، با مکر و حيله، بیش از سیصد تن از بزرگان و اعیان اسماعیلیان قلعه ناظر را، از دم تیغ بگذراند و تنها سه نفر جان سالم به در بردند.^{۳۰} وجود سازه‌های دفاعی مستحکم و مخفی کوه قلعه نادر، مانند اشکفت‌ها که تا حدود زیادی مخفی هستند، سبب شد چاودلی سقادوا، که توان بازپس گیری این قلعه را نداشت، را واداشت تا با ترفند سربازان را از کوه به پایین کشاند تا بتواند آنان را از پای درآورد. ۲. قلعه نادر، بیش از آن‌که به رامهرمز نزدیک باشد، به شهر بوستانک^{۳۱} و آرجان نزدیک است. فاصله این قلعه تا رامهرمز ۶۰ کیلومتر، تا بوستانک یا تشان فعلی، ۱۸ کیلومتر است. بنابراین، به احتمال زیاد؛ قلعه ناظر به کوره آرجان فارس تعلق داشته‌است. ۳. هنگامی که حاکمیت اداری فارس و همچنین آرجان رو به ضعف می‌نهاد، آرجان و نواحی شمال غربی آن، به خوزستان تعلق می‌گرفت. چنان‌که ابن بلخی در مورد تغییرات مرزی این ناحیه در آغاز حکومت سلاجقه می‌نویسد که، پس از آخرین حکمران آل بویه، ابوکالیجار (۴۴۰هـ)، فرماندار آرجان، ابوالعلاء به سوی هزاراسب بانگیر، که در آن زمان در خوزستان حکومت می‌کرد، کشیده شد و به این ترتیب آرجان به خوزستان

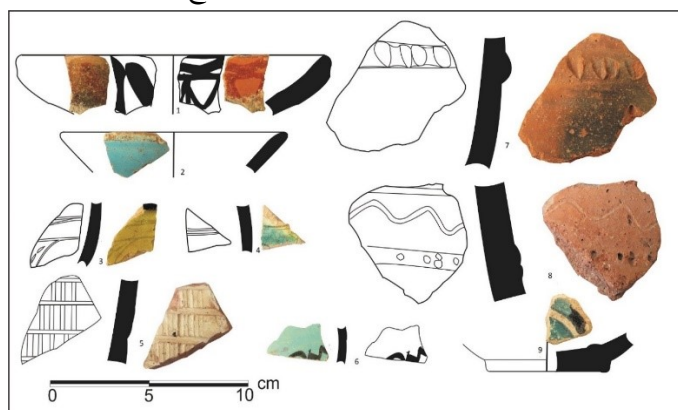
۳۰. ابن اثیر، ۲۹۴/۱۷.

۳۱. به استناد منابع تاریخی شهر بوستانک در چهار فرسخی آرجان توسط اسماعیلیان ویران گردید. برای مطالعه بیشتر نک. ابن بلخی، ۱۶۲؛ مستوفی، ۱۸۹.

تعلق گرفت، ولی در اصل جزو فارس بوده است. ۳۲



تصویر ۲. بقایای باستان‌شناختی قلعه نادر (منبع: نگارنده)



جدول ۱. کاتالوگ سفال‌های قلعه نادر (منبع: نگارنده)

منبع مقایسه و تاریخ‌گذاری	گاهنگاری	تکنیک ساخت، خمیره، آمیزه، پوشش درون / برون، کیفیت، پخت، تزیین	ردیف
Summer & whitcomb, 1999: 321	سده‌های سوم تا ششم هجری	دست‌ساز، نارنجی، شن ریز، دست مرطوب/ ندارد، معمولی، ناقص، نقش هندسی رنگ قهوه‌ای	۱
عطایی، ۱۳۹۵: ۲۳۰ morgan, 1994: 182, no. 183	سلجوقی	چرخ‌ساز، نخودی، ماسه نرم، پوشش لعاب آبی فیروزه‌ای، ظریف، کافی، بدون تزیین	۲
مرتضایی، ۱۳۸۶: ۳۹۵	سده‌های سوم تا ششم هجری	چرخ‌ساز، نخودی، لعاب شفاف زرد، ماسه نرم، ظریف، کافی، نقش کنده زیر لعاب	۳
مورگان، ۱۳۸۴: ۶۴، شماره ۵۵	سده‌های چهارم تا ششم هجری	چرخ‌ساز، نخودی مایل به قهوه‌ای، لعاب سبز و سفید شفاف، ماسه نرم، ظریف، کافی، نقش کنده زیر لعاب	۴
	سده‌های سوم تا ششم هجری	چرخ‌ساز، قهوه‌ای، پوشش بیرونی نخودی، شن ریز، معمولی، ناکافی، نقش کنده	۵
مورگان، ۱۳۸۴: ۱۸۴-۱۸۳ از لحاظ تکنیک تزیین؛ توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۷۳	سده هفتم هجری	چرخ‌ساز، سفید فریتی، لعاب سبز مایل به آبی، کائولین، ظریف، کافی، نقش سیاه روی لعاب	۶
علیزاده، ۱۳۹۴: RH-۰۴۹۶ 070,B	سلجوقی - ایلخانی	چرخ‌ساز، قهوه‌ای مایل به قرمز، شن ریز، دست مرطوب بیرون، معمولی، کافی، نقش کنده	۷
Whitcomb, 1985: 129, fig. 47.p	سده‌های دوم و سوم هجری	چرخ‌ساز، قهوه‌ای، شن ریز، دست مرطوب بیرون، معمولی، کافی، نقش کنده موج	۸
علیزاده، ۱۳۹۴: RH-۰۴۳۸ 025,G	سلجوقی	چرخ‌ساز، نخودی مایل به قهوه‌ای، ماسه نرم، لعاب سبز درون، معمولی، کافی، بدون تزیین	۹

۲. دژکوه

قدیمی‌ترین منبعی که به روشنی از «قلعه دژکوه» در منطقه بلادشاپور در بخش شمالی کوره آرژان یاد کرده، ریاض الفردوس نوشته محمد میرک حسینی منشی است که در اواخر دوره صفویه (۱۰۸۲هـ) تألیف شده است.^{۳۳} افزون بر دژکوه ناحیه اصفهان (شاهدژ)، که در تاریخ سیاسی - نظامی اسماعیلیان از اهمیت برخوردار بوده است،^{۳۴} شواهد باستان‌شناختی که در پی آمده، نشان دهنده اهمیت دژکوه رستاق بلادشاپور در بخش شمالی کوره آرژان برای اسماعیلیان نیز بوده است. مورخان دوره صفویه و قاجاریه که از نزدیک دژکوه را مورد بازدید قرار داده‌اند، ضمن اشاره به توانمندی‌های طبیعی جنگل بلوط، زراعت و منابع آبی دژکوه و ویران بودن برج‌ها و دیوارهای آن، اهمیت آن را از دیدگاه راهبردی در منطقه بلادشاپور متذکر گردیده‌اند که با نیروی اندک، می‌توان لشکری را دفع کرد.^{۳۵} دژکوه، یکی از استحکامات مهم سلجوقیان یا از دژهای تسخیرناپذیر اسماعیلی بوده است که باید جایگاه آن را در میان جای‌نام‌های قلاع اسماعیلی بخش کوهستانی آرژان، مورد بررسی قرار داد. گاوبه محل قلعه «کلات النظیر» را دژکوه دانسته، که اسماعیلی‌ها با دژهایی به فاصله ۵۰ کیلومتر از یکدیگر و بی نهایت صعب‌العبور، می‌توانسته‌اند ناحیه‌ای را بین خلیج فارس و جلگه دهدشت نظارت نمایند^{۳۶} هر چند دژکوه را می‌توان یکی از دژهای دست نیافتنی اسماعیلیان در منطقه کهگیلویه دانست، ولی با توجه به وجود قلعه نادر، که با کلات النظیر و یا الناظر؛ یکی دانسته می‌شود و برای کنترل بر شهر بوستانک و راه ارتباطی آرژان - بوستانک - رامهرمز به اهواز اشغال شده بود، نمی‌توان دژکوه را با کلات النظیر، یکی دانست.

۳۳. حسینی منشی، ۳۳.

۳۴. رشیدالدین فضل‌الله، ۴۹.

۳۵. حسینی منشی، ۳۳.

۳۶. گاوبه، ۱۸۱.

قلعه دژکوه در حدود پنج کیلومتری غرب شهر سوق، در مختصات جغرافیایی 39 R 0442468, UTM 3416867 قرار دارد. با توجه به پستی و بلندی بسیار زیاد سطح کوه، پایین‌ترین ارتفاع از سطح دریا در ضلع شرقی ۱۰۴۵ متر و در بالاترین قسمت در ضلع غربی ۱۲۹۰ متر است. موقعیت قلعه دژکوه چنان است که می‌توان از این مکان بر همه نواحی پیرامونی خود، دید داشت. راه دسترسی و ورود به دژ در ضلع شرقی کوه، از طریق جاده سنگفرشی به طول تقریبی ۸۰۰ متر و میانگین عرض دو متر است که از حدود دو کیلومتری غرب روستای برم‌سبز، در دامنه کوه آغاز می‌شود و در زیر پرتگاه بالای دژ، خاتمه می‌یابد (تصویر ۴، ب). ورود به قلعه از طریق دروازه کوچک مثلثی شکل است که با یک تیغه دیوار گچی به ارتفاع ۲۰۰ سانتی‌متر، عرض ۱۰۰ سانتی‌متر و ضخامت ۵۰ سانتی‌متر است (تصویر ۴، پ) که همین امر سبب کنترل راحت‌تر ورود به دژ، توسط نگهبانان می‌شده است. وجود پرتگاه‌های طبیعی در برخی قسمت‌های کوه، به خصوص در بخش غربی، باعث شده تا ساکنان دژ در این قسمت‌ها، برج یا بنای دفاعی ایجاد ننموده و احتمالاً نیروهای خود را، در بقیه بخش‌ها برای دفاع از دژ، متمرکز نمایند. به طوری که تمرکز بناها، بر لبه‌ی شرقی و شمالی کوه است. در پیمایش سطحی، حدود ۲۵ مکان بر گرداگرد لبه کوه، مورد بررسی قرار گرفتند، که عمدتاً اتاق‌هایی راستگوشه به ابعاد طولی ۳-۵ متر و عرض ۲-۳ متر هستند که بیشتر به اسکان افراد دژ و دیده‌بانی مشغول بوده‌اند. در اثر کاوش‌های غیرمجاز ضلع شمالی کوه، آجرهای بسیاری بدست آمده که علاوه بر سطح قلعه، بسیاری از آن‌ها در گودال کاوش ریخته شده است. ابعاد این آجرهای قهوه‌ای رنگ که دارای پخت کافی هستند، ۲۱/۵ در ۲۱/۵ در ۳ سانتی‌متر است. از لحاظ ابعاد می‌توان آجرهای یاد شده را با آجرهای قلعه خان‌لنجان از دوره سلجوقی، که دارای ابعاد ۲۱×۲۱×۴ هستند، مقایسه کرد.^{۳۷} در ضلع شرقی کوه و در غرب اتاق‌های یاد شده، امروزه باغ درختان انار و لیمو قرار دارد (تصویر ۴، ث) که با توجه به صفه بندی‌ها و دائمی بودن آب چشمه‌ی کوه در این

بخش، احتمال این‌که یکی از منابع معیشت ساکنین دوره حیات دژ، همین باغ‌ها بوده باشند، دور از انتظار نیست. بهره‌گیری از زمین برای کشاورزی با تخت کردن شیب‌ها برای کشت گندم، جو و ایجاد جالیزهای برنجکاری در قلعه الموت، در دوره حسن صباح نیز، گزارش شده است.^{۳۸} اگر چه نمی‌توان از محصولاتی چون بلوط و بادام وحشی که پوشش جنگلی کوه را تشکیل می‌دهند، در تغذیه ساکنان کوه، چشم‌پوشی کرد. با توجه به انتساب بیشتر سفال‌های این دژ به دوره سلجوقی (تصویر ۵؛ جدول ۲)، موقعیت استراتژیک دژ، در برخورداری از حداقل امکانات برای دفاع، مانند صخره‌های مرتفع نسبتاً قائم بر سطح شیب تند دژ، و وجود ساختارهای معماری بر گرداگرد، که به احتمال زیاد کارکرد دیده‌بانی دژ داشته‌اند، می‌توان احتمال داد که این قلعه در دوره سلجوقی و به دست اسماعیلیان ساخته و یا دست‌کم، تعمیر شده باشد. افزون بر این، دژکوه به لحاظ اشراف بر دو دالان مهم ارتباطی از مسیر تنگ تکاب در شرق آرژان و تنگ بن در شرق بوستانک، اهمیت فوق‌العاده داشته است. این دو مسیر منتهی به دژکوه، کوتاه‌ترین مسیر برای دسترسی به خان‌لنجان و اصفهان، از طریق منطقه کوهستانی کوه‌گیلویه از دره لیراب و تنگ شمشیر بریده بوده است، که بقایای استحکامات نظامی مشرف بر دره لیراب از سده دوم - سوم هجری تا سلجوقی، حاکی از اهمیت این مسیر، برای اسماعیلیه بوده است.



تصویر ۴. بقایای معماری و شواهد باستان‌شناختی دژکوه (منبع: نگارنده)



تصویر ۵. طرح سفال‌های دژکوه (منبع: نگارنده)

جدول ۲. کاتالوگ سفال‌های سطحی قلعه دژکوه (منبع: نگارنده)

شماره	نوع قطعه، رنگ خمیره، پوشش بیرون / درون، آمیزه، پخت، نوع ساخت، تزئین	دوره	منبع مقایسه و تاریخ‌گذاری
۱	لبه، نارنجی مایل به قهوه‌ای، دست مرطوب، دست مرطوب، شن ریز، کافی، دست‌ساز، نقش‌کننده انگشتی روی نوار افزوده	سده‌های سوم تا ششم هجری	
۲	لبه، قهوه‌ای، دست مرطوب، دست مرطوب، شن ریز، کافی، دست‌ساز، نوار قهوه‌ای رنگ نامنظم عمودی	سده‌های پنجم تا هشتم هجری	عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۸، شماره ۲
۳	لبه، نارنجی، دست مرطوب، دست مرطوب، شن‌ریز، کافی، چرخ‌ساز، نوار-های قهوه‌ای رنگ	سده‌های سوم تا ششم هجری	Kennet, 2004: fig.12,k261
۴	لبه، نارنجی، دست مرطوب، دست مرطوب، شن‌ریز، کافی، چرخ‌ساز، نوار-های قهوه‌ای رنگ	سده‌های سوم تا ششم هجری	صدرایی، ۱۳۸۶: ۹۹، طرح ۱ Kennet, 2004: fig.12,k296
۵	لبه، نارنجی، دست مرطوب، دست مرطوب، شن‌ریز، کافی، چرخ‌ساز، نوار-های قهوه‌ای رنگ	قرن ششم هجری	Kennet, 2004: fig.12,8111
۶	بدنه، نخودی، لعاب سبز، لعاب سبز، ماسه نرم، کافی، چرخ‌ساز، نقش سیاه روی لعاب	سده‌های ششم و هفتم هجری	مورگان، ۱۳۸۴: ۲۲۴-۲۲۲؛ ۱۸۳
۷	بدنه، سفیدچینی، لعاب فیروزه‌ای، لعاب فیروزه‌ای، کانی، کافی، چرخ‌ساز، نقش قالبی زیرلعاب	سلجوقی	گراب، ۱۳۸۴: ۱۳۹؛ اشکال ۱۵۰-۱۵۱، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۸
۸	بدنه، سفیدچینی، لعاب بادمجانی، لعاب بادمجانی، کانی، کافی، چرخ‌ساز، کنده زیرلعاب	سلجوقی	مورگان، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۰۳

مورگان، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۰۳	سلجوقی	بدنه، سفیدچینی، لعاب فیروزه‌ای، لعاب فیروزه‌ای، کانی، کافی، چرخ‌ساز، کنده زیرلعاب	۹
موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: شکل ۷۰، شماره ۲۱۵	سده‌های ششم و هفتم هجری	بدنه، سفیدچینی، لعاب سبز، لعاب سبز، کانی، کافی، چرخ‌ساز، کنده زیرلعاب	۱۰
مورگان، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۰۳؛ زارعی و شریفی، ۱۳۹۷: ۹۳، عکس ۵	سلجوقی	بدنه، سفیدچینی، لعاب فیروزه‌ای، لعاب فیروزه‌ای، کانی، کافی، چرخ‌ساز، کنده زیرلعاب	۱۱
اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۶: شکل ۵؛ شماره ۴۴	سده‌های سوم و چهارم هجری	بدنه، قهوه‌ای، دست مرطوب، دست مرطوب، شن‌ریز، کافی، دست‌ساز، نقش فشاری انگشتی روی نوار افزوده	۱۲
موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: شکل ۲۲؛ شماره ۷۳	سده‌های سوم تا هفتم هجری	بدنه، نخودی، دست مرطوب، ندارد، شن‌ریز، کافی، چرخ‌ساز، نقش کنده	۱۳
	سده‌های سوم تا ششم هجری	بدنه، نارنجی، خاکستری، خاکستری، شن‌ریز، کافی، چرخ‌ساز، نوار افزوده با لکه‌های قهوه‌ای رنگ	۱۴
لک‌پور، ۱۳۸۹: طرح ۱۸- شماره ۹۵	سده‌های سوم و چهارم هجری	بدنه، نارنجی، خاکستری، خاکستری، شن‌ریز، کافی، چرخ‌ساز، نوار افزوده با لکه‌های قهوه‌ای رنگ	۱۵
سلیمانی، ۱۳۸۵: شکل ۱۰۶، شکل ۱۰	سده‌های پنجم تا ششم هجری	بدنه، نخودی، لعاب آبی مایل به فیروزه‌ای، لعاب مایل به فیروزه‌ای، کانی، کافی، چرخ‌ساز	۱۶
مورگان، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۶۷	سلجوقی	بدنه، نخودی، لعاب فیروزه‌ای مایل به سبز، لعاب فیروزه‌ای مایل به سبز، کانی، کافی، چرخ‌ساز	۱۷
مورگان، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۶۷	سلجوقی	کف، سفیدچینی، لعاب فیروزه‌ای، لعاب فیروزه‌ای، کانی، کافی، چرخ‌ساز	۱۸

۳. قلعه دیرآب (لیراب)

دره لیراب یکی از گذرگاه‌های مهم ارتباطی بین ناحیه کوه‌گیلویه با بختیاری و اصفهان است که در انتهای آن و درون تنگ شمشیربریده، بقایای ۱۵ عدد پلکان سنگی، به طول هر پله ۲۵۰ سانتی‌متر و عرض ۱۵۰ سانتی‌متر قرار دارد.^{۳۹} در سده پنجم هجری ناصر خسرو قبادیانی که از مهروبان به آرژان و اصفهان رفته در مسیر خود از تنگ شمشیر بریده به لردوغان (لردگان)، خان‌لنجان و اصفهان سفر کرده‌است.^{۴۰} احتمالاً او در مسیر خود با اسماعیلیان این منطقه دیدار داشته و از آن‌ها کمک گرفته‌است. نام لیراب یادآور یکی از قلاع اسماعیلی در کوره آرژان به نام دیرآب است که جایگاه راهبردی و سوق‌الجیشی آن در ردیف قلاع مهم تنبور، کلات، آب شیرین، جلادجان و غیره بوده‌است.^{۴۱} نامی که با توجه به قرارگیری این قلعه در کنار رودخانه لیراب، در تطبیق نام لیراب با دیرآب، منطقی به نظر می‌رسد. پیش‌تر برخی از پژوهشگران نیز، با توجه به نزدیکی قلعه شاه منصور به قلعه خان-لنجان و همچنین موقعیت استراتژیک این قلعه، آن را قلعه‌ای اسماعیلی دانسته بودند.^{۴۲} بر ارتفاعات مشرف بر دره لیراب چندین بنای دفاعی قرار دارد (تصویر ۶) که عبارتند از: قلعه شاه منصور در ارتفاع ۴۰۰ متری از کف دره، نرقله در ۳۵۰ متری جنوب شرق روستای لیراب و مشرف بر دره، بنای مرکزی دره لیراب در بخش‌های ابتدایی تنگ لیراب به شمشیربریده، در ۲۵۰ متری شمال شرق روستای لیراب و قلعه کُلم‌رو. بقایای آثار معماری این قلاع عبارت از؛ تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ طبیعی و تراش‌خورده‌ای است که احتمالاً بدون استفاده از ملاط و به صورت خشکه‌چین، و در برخی موارد همراه با ملات گچ در ساخت بناهای محوطه به‌کار رفته هستند. جالب است بدانیم سفال‌های قلعه کُلم‌رو

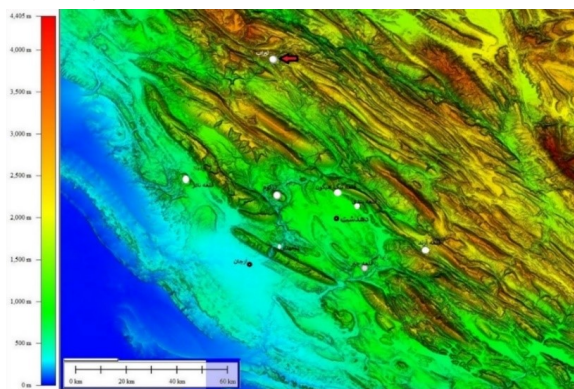
۳۹. آزادی، ۳۷۰-۳۹۰.

۴۰. ناصر خسرو، ۱۲۰.

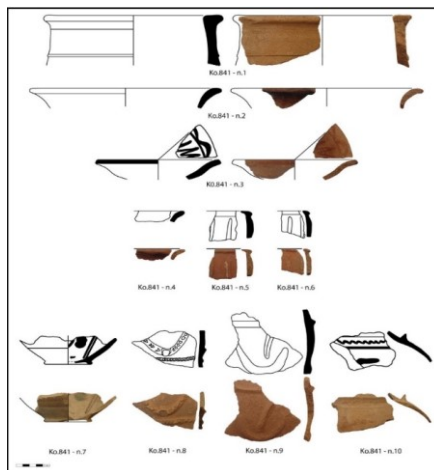
۴۱. زرکوب شیرازی، ۵۷.

۴۲. رجبی، ۷۲.

(تصویر ۷؛ جدول ۳) شامل؛ سفال‌های با خمیره نارنجی با تزیین نوار افزوده و نقوش فشار انگشتی و ناخنی است که از لحاظ فرم و تزیین قابل مقایسه با سفال‌های دژکوه هستند. در میان سفال‌های این قلعه، بشقاب سفالی قابل مقایسه با نمونه‌های سده‌های پنجم و ششم هق (تصویر ۷، شماره ۳) و یک قطعه سفال کف چرخ‌ساز با خمیره نخودی و نقوش هندسی به رنگ قهوه‌ای سوخته و سبز، روی لعاب سفید شیری نیز به چشم می‌خورد.



تصویر ۶. موقعیت تنگ شمشیربریده و قلاع دره لیراب



تصویر ۷. طرح سفال‌های بنای دفاعی کلم‌رو^{۴۳}

جدول ۳. کاتالوگ سفال‌های تاریخ‌گذاری شده سفال‌های قلعه کلم‌رو

شماره	نوع قطعه، رنگ خمیره، پوشش بیرون، پوشش درون، آمیزه، پخت، نوع ساخت، تزئین	دوره	منبع مقایسه و تاریخ‌گذاری
۱	لبه، نخودی مایل به نارنجی، بدون پوشش، شن‌ریز با دانه‌های سفید، کافی، چرخ‌ساز	سده‌های دوم و سوم هجری	لک‌پور، ۱۳۸۹: طرح ۱۳- شماره ۷۶؛ Kennet, 2002: fig. 5
۲	لبه، نارنجی، صیقلی، ندارد، شن‌ریز با دانه‌های سفید، کافی، چرخ‌ساز	سده‌های سوم و چهارم هجری	
۳	لبه، نارنجی، دست مرطوب، دست مرطوب، ماسه نرم با دانه‌های سفید، کافی، چرخ‌ساز، نقوش هندسی به رنگ قرمز تیره	سده‌های پنجم و ششم هجری	Kennet, 2004: fig. 12, k261
۴	لبه، نارنجی، دست مرطوب، ندارد، شن‌ریز با دانه‌های سفید، دست‌ساز	سده‌های سوم و چهارم هجری	
۵	لبه، نارنجی با مغز خاکستری، دست مرطوب، دست مرطوب، شن‌ریز با دانه‌های سفید، کافی، چرخ‌ساز، نقوش افزوده	سده‌های دوم و پنجم هجری	توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۵۹-۲۶۴
۶	لبه، نارنجی با مغز خاکستری، پوشش دست مرطوب، شن‌ریز با دانه‌های سفید، کافی، دست‌ساز، نقوش افزوده	سده‌های دوم و پنجم هجری	توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۵۹-۲۶۴
۷	کف، نخودی، ندارد، لعاب سفید شیری، ماسه نرم، کافی، چرخ‌ساز، نقوش هندسی به رنگ قهوه‌ای سوخته و سبز (نقاشی روی لعاب گلی سفید)	سده‌های سوم و چهارم هجری	توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۶۲-۲۶۳
۸	بدنه، نارنجی با مغز خاکستری، قهوه‌ای تیره، قهوه‌ای تیره، شن‌ریز با دانه‌های سفید، کافی، چرخ‌ساز، نقوش افزوده فشاری	سده‌های دوم و پنجم هجری	توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۵۹-۲۶۴
۹	بدنه، نارنجی مایل به صورتی، ندارد، دست	سده‌های دوم	توحیدی، ۱۳۸۴: ۲۵۹-

۲۶۴	پنجم هجری	مرطوب، شن ریز با دانه‌های سفید، کافی، چرخ‌ساز، نوار افزوده با مقطع سه گوش	
Summer & whitcomb, 1999: 321	سده‌های سوم تا ششم هجری	بدنه، نخودی، دست مرطوب، ندارد، شن- ریز با دانه‌های سفید، کافی، چرخ‌ساز، نقوش هندسی به رنگ قهوه‌ای	۱۰

۴. قلعه جلادجان (قلعه چم چرو)

یکی از جای‌نام‌های مرتبط با اسماعیلیان در کوره ارجان، جلادجان/خلارجان است^{۴۴} که با مطالعات اکولوژیکی و مطالعات جغرافیای طبیعی می‌توان به موقعیت نسبی و استحکامات آن ناحیه پی‌برد. صاحب فارسنامه در سده ششم ه، در مسیر رودخانه خوبدان که به رودخانه شیرین در می‌آمیزد، از ناحیه جلادجان نام می‌برد.^{۴۵} نظر به این‌که در ناحیه‌ی بالادست محل الحاق رودخانه زهره به رودخانه خیرآباد (رودخانه شیرین)، افزون بر قلاع گل و گلاب که به کرات در منابع تاریخی از آن‌ها یاد شده‌است،^{۴۶} تنها قلعه استراتژیک قلعه چم‌چرو است (تصویر ۸)، می‌توان آن را با قلعه جلادگان/خلارجان در منابع تاریخی، یکی دانست.

قلعه چم چرو، به خط مستقیم در ۲۵ کیلومتر جنوب شرقی گچساران و حدود پنج کیلومتری جنوب شرقی سد چم‌شیر، در کنار رودخانه زهره قرار دارد (تصویر ۹). استحکامات دفاعی قلعه بر روی کوهی تقریباً بیضوی به طول ۷۵۰ متر و عرض ۲۷۰ متر، با دیواره عمودی و بستر صخره‌ای بنا شده‌است و از محیط پیرامون حدود ۲۸۰ متر ارتفاع دارد. موقعیت رفیع، عظمت و استواری قلعه چرو، چنان است که کمتر قلعه‌ای در کوره ارجان، استحکام آن را دارد. دور کوه با یک باروی لاشه‌سنگی خشکه‌چین، محاط شده‌است. در فواصل نامنظم، برج‌ها و دژهای دیده‌بانی و محافظتی، در مسیر بارو ساخته

۴۴. ابن‌اثیر، ۲۹۴/۱۷.

۴۵. ابن‌بلخی، ۳۶۱.

۴۶. ابن‌بلخی، ۳۵۴؛ حافظ ابرو، ۲۹۶؛ گاوبه، ۱۳۵۹.

شده است. در دامنه‌ی شمالی این کوه - که به دامنِ عروس مشهور است - بقایای استقرارگاهی بزرگ دیده می‌شود. در بالای کوه نیز، مجموعه حاکم‌نشین ایجاد شده که شامل چندین بنای خوش‌ساخت بزرگ، از لاشه سنگ و ملاط گچ و همچنین چند آب‌انبار بزرگ و کوچک است^{۴۷} و وجود تأسیسات حکومت‌نهاد در اطراف کوه چم‌چرو^{۴۸} همچون پل تاریخی و همچنین موقعیت استراتژیک آن از سوی دیگر و پراکنش گسترده سفال؛ که آشکار در دامنه کوه دیده می‌شود، حاکی از جایگاه ژئوپولیتیک این قلعه در مناسبات سیاسی - نظامی کوه‌گیلویه طی دوران ساسانی تا سلجوقی دارد. در دامنه‌ی غربی دژ چم‌چرو، یک قلعه مسکونی فصلی متعلق به خان‌سالارهای گروه‌های کوچ‌رو منطقه در سده‌های میانه اسلامی، در مناطق پست و بلند جنوب ایران، در حرکت بوده‌اند، شناسایی گردیده،^{۴۹} که بر اهمیت این دژ افزوده است.



تصویر ۸. دژ دفاعی چم‌چرو؛ دید از شمال (ماخذ: نگارندگان)

۴۷. عطایی و زارع، ۲۶۰.

۴۸. همان، ۲۶۱.

۴۹. رجبی، ۳۲۴.

بحث

کوره آرژان ایالتی گسترده با حدود ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع، از سازمان اداری فارس طی دوره ساسانی تا پایان سلجوقی است که از دو بُعد تولیدات اقتصادی و راه‌های ارتباطی، با دیگر نواحی ایران، از اهمیت فوق‌العاده برای اسماعیلیان برخوردار بود و ژئوپولیتیک این منطقه، بیشتر تحت تأثیر این دو عامل بوده‌است. در نیمه دوم سده پنجم هجری، داعی ابوحمزه در آرژان، توانست بسیاری از قلعه‌های این منطقه، مانند قلعه ناظر در حدود خوزستان و قلعه طنبور در دوسرنگی آرژان، قلعه جلادگان و بسیاری از قلاع دیگر، مانند دژگلاب، قلعه حص، دژکوه، قلعه فرامرز، قلعه دیرآب و قلعه آب شیرین را، که در متون متأخرتر به آن‌ها اشاره شده، با ترفندهای مختلف تسخیر نماید.^{۵۰} اسماعیلیان کوره آرژان، با حمله به شهرهای آرژان، بوستانک و زیز، آن‌ها را ویران ساختند؛^{۵۱} شهرهایی که پس از این ویرانی-ها، دیگر حیات و رونقی نیافتند.^{۵۲} منطقه کوه‌گیلویه و آرژان به دو دلیل برای اسماعیلیان مهم بوده‌است: ۱. نخست اهمیت آرژان، که دارای ثروت فراوان بوده‌است. در خصوص جایگاه اقتصادی آرژان در قرون نخستین اسلامی، باید گفت که اهمیت این شهر برای دیلمیان تا آنجا بوده‌است، که مقدسی از عضدالدوله دیلمی نقل می‌کند، که «من عراق را برای نام و آرژان را برای درآمدش می‌خواهم».^{۵۳} آرژان به عنوان منطقه‌ای حاصل‌خیز در قرون چهارم تا ششم هجری، مکانی جهت تولید و صدور کالاهایی همچون؛ شیره خرما، عالی (دوشاب)، صابون خوب، انجیر، زیت، فوطه پارچه‌های گندک، و بر بهار به نواحی دیگر بود.^{۵۴} نواحی کوهستانی نیز اهمیت زیادی در تأمین معیشت دژهای اسماعیلیان می‌توانست

۵۰. ابن اثیر، ۳۱۹؛ ابن خلدون، ۱۴۹/۳.

۵۱. ابن بلخی، ۱۳۶۳، ۱۴۷-۲۸۵.

۵۲. سپیدنامه، ۱۳۹۷، ۱۴۴.

۵۳. مقدسی، ۶۳۰/۲-۶۳۱.

۵۴. ابن حوقل، ۳۸؛ حدود العالم، ۱۳۳.

داشته باشد، زیرا دست کم از دوره آل‌بویه، گردو و گوشت این منطقه، به دلیل فراوانی آن، ارزان بوده‌است. بنابراین، بی‌جهت نبوده‌است که بُنه برخی از دژهای کوهستانی شمالی ایران، از آرژان تأمین شده باشد. اسماعیلیان کوره آرژان می‌توانستند از تولید اقتصادی این منطقه مانند خرما و دوشاب^{۵۵} که مدت زمان طولانی نگهداری شوند، در قلعه‌های و خود در محاصره‌های خود بهره ببرند. ۲. در اختیار داشتن دژها علی‌رغم دور بودن از بخش اصلی دولت اسماعیلی (الموت)، از راه کنترل مستقیم نقاط مهم راه‌های کاروان‌رو در نواحی ساحلی بنادر مهروبان و جنابه (با هندوستان) و راه‌های محلی چهارسوی آرژان به فارس، اصفهان، خوزستان و نواحی جنوبی‌تر ایران و نیز استفاده از فرآورده‌های کشاورزی و پیشه‌وری محل، سبب غنی‌تر شدن بنیه اقتصادی آن می‌شد.

براساس مطالعات انجام شده، در کوره آرژان، دژهای بزرگ کوهستانی زیادی، در تصرف اسماعیلیان بوده‌است، که عمدتاً بر فراز گردکوه‌های طبیعی ناحیه کوهستانی آرژان ساخته شده‌اند (جدول ۴). وجود گردکوه‌های طبیعی، کوهستان‌های کوره آرژان، سبب گردیده تا این عارضه‌های طبیعی، به صورت کاملاً آگاهانه، در ساخت دژهای دفاعی اسماعیلیان مورد استفاده قرار گیرد، که از مهم‌ترین این دژکوه‌ها می‌توان به: دژهای قلعه الناظر، قلعه جلاذگان، دژهای گُل و گُلاب، دژ باباکلان، دژ چَم‌چرو (چَم چَلو)، دژ سلیمان اشاره کرد (تصویر ۱۰؛ جدول ۱). این دژکوه‌ها که عمدتاً بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ متر از محیط پیرامون ارتفاع دارند، امروزه بالارفتن از آن‌ها بیشتر با تجهیزات کوهنوردی میسر است. اهمیت این دژکوه‌ها را از چند جهت می‌توان مورد تأکید قرار داد: ۱. به دلیل ارتفاع زیاد، هر نیروی مهاجمی نمی‌توانست حتی به دشواری، به حصارهای مرتفع و دروازه‌های ورود به آن‌ها برسد، یا حتی با منجنیق و ادوات پرتابی دیگر، به تخریب برج و باروی آن‌ها پردازد و یا با نقب زدن به زیر دیوارها و بارو، به تخریب دژ پردازند. همچنین این ارتفاع زیاد، امکان ارتباط با دژهای دیگر و دید ساکنان قلعه به نواحی پیرامونی برای کنترل بیشتر

۵۵. ابن‌حوقل، ۳۸؛ ابن‌بلخی، ۴۵۶؛ جیهانی، ۱۲۵.

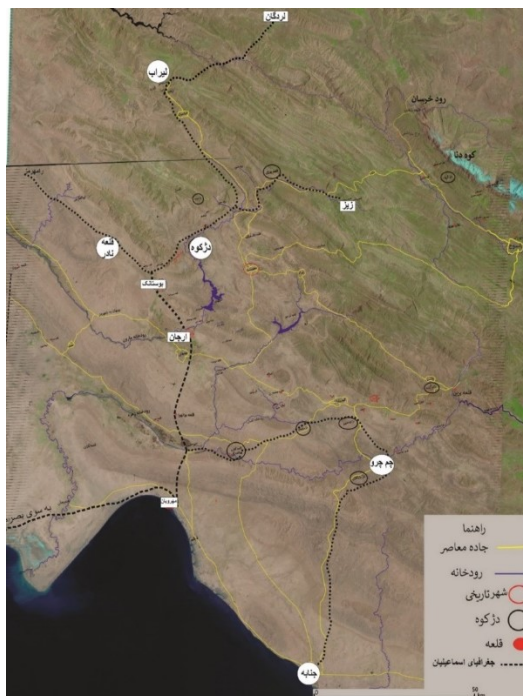
منطقه را، امکان‌پذیر می‌نمود. ۲. عدم وجود راه‌های دسترسی متعدد، امکان دفاع آسان‌تر و تمرکز نیروها را، در یک نقطه به وجود می‌آورد تا به راحتی و با کمترین نیرو، به دفاع از دژ و قلعه‌نشینان بپردازند. ۳. وجود تپه‌ماهورها، تنگه‌ها، دره‌ها و حتی رودخانه‌های پرآب خروشان، امکان انجام عملیات تاکتیکی را، در هنگام نبرد برای بهره‌بردن از زمین در ناحیه کوهستانی برای ساکنان دژ فراهم می‌ساخت. ۴. وسعت زیاد این دژکوه‌ها، امکان ساخت انبارهای بزرگ مواد خوراکی و آب‌انبار (نمونه دژکوه چیر) را برای دژنشینان در هنگام محاصره طولانی، فراهم می‌ساخت. ۵. وسعت زیاد همراه با چشمه‌های آب دائمی همانند دژکوه سوق کهگیلویه، علاوه بر این که انجام کارهای کشاورزی و برداشت محصول را برای ساکنین تدارک می‌نمود، منبع تأمین آب خوبی، برای ساکنین در محاصره‌های طولانی، محسوب می‌گردید و خطر بی‌آبی را، برای ساکنین دژ به وجود نمی‌آورد. ۶. بهره‌گیری از اشکفت‌ها و پناهگاه‌های صخره‌ای موجود در دامنه‌ی این دژکوه‌ها (همانند قلعه نادر)، با ایجاد دیوارهای حفاظتی، این توانایی را به ساکنان دژها می‌داد، که بدون هزینه زیاد، فضاهایی را برای سربازان یا ذخیره مواد غذایی احداث نمایند و در صورت ورود مهاجمان، از اصل غافل‌گیری، که از مهم‌ترین اصول دفاع غیرعامل است، بهره‌برند و بیشترین ضربه را به آن‌ها وارد سازند.

جدول ۴. قلعه‌های منتسب به اسماعیلیان در کوره آرژان (منبع: نگارندگان)

نام قلعه	موقعیت جغرافیایی	منابع	جاینام امروزی
قلعه الناظر	بین رامهرمز و آرژان / ناحیه بوستانک و سنبل	ابن اثیر، ۲۹۳/۱۷؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۹۷؛ جمال‌الدین ابوالقاسم کاشانی، ۱۵	قلعه نادر
قلعه طنبور	دو فرسنگی شهر آرژان / رستاق بلادشاپور	ابن اثیر، ۲۹۳/۱۷؛ ابن‌خلدون، ۱۳۴/۳؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۹۷؛ مستوفی، ۱۳۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷/۲	دژکوه سوق

قلعه‌های اسماعیلیان در کوره آرژان: پژوهشی باستان‌شناختی / ۷۳

قلعه چم چرو	ابن‌اثیر، ۲۹۳/۱۷؛ ابن‌بلخی، ۳۵۳	مسیر رودخانه خوابدان/ رستاق گنبدملغان	قلعه جلاذجان
قلاع گل و گلاب	مستوفی، ۱۳۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷/۲؛ زرکوب شیرازی، ۵۷	رستاق ریشهر	دژگلاب
قلاع کلات هندیجان و قلعه عربون جایزان	زرکوب شیرازی، ۵۷	رستاق ریشهر	قلاع امیر فرامرز
دره لیراب دیشموک	زرکوب شیرازی، ۵۷؛ رجبی، ۷۲	رستاق سردن کوه‌گیلویه	قلعه دیرآب
قلعه کوه شهرو؟	زرکوب شیرازی، ۵۷	رستاق ملغان	قلعه آب شیرین



تصویر ۹. جغرافیای سیاسی - نظامی حضور اسماعیلیان در کوره آرژان

(منبع: نگارندگان)

نتیجه

کوره آرجان در جنوب غربی ایران به واسطه موقعیت استراتژیک ارتباطی آن، توجه بسیاری از جغرافیدانان را طی سده‌های نخستین و میانه اسلامی به خود جلب نموده بود که اطلاعات آن‌ها بیشتر در خصوص منزلگاه‌های راه‌های ارتباطی و موقعیت شهرهای منطقه مانند آرجان، مهروبان، جنابه، زیز و گنبدملغان بوده است. در لابه‌لای این متون می‌توان به آگاهی‌های از تاریخ سیاسی و اجتماعی کوره آرجان، به خصوص در مورد حضور فرقه مذهبی اسماعیلیه و قلعه‌های متصرفی آنان در این منطقه دست یافت که در تحولات سده‌های میانه‌ی اسلامی نقش مهمی داشتند. بررسی‌های باستان‌شناختی استحکامات این کوره، نشان از اهمیت بسیاری از قلاع و دژهای دفاعی طی سده‌های میانه‌ی اسلامی دارد که تنها با همسنجی آن‌ها با متون تاریخی و مطالعات اکولوژیکی به اهمیت و جایگاه آن‌ها پی برد. اشارات متون تاریخی نیمه دوم قرن پنجم هجری به قلاع منتسب به اسماعیلیان در کوره آرجان مانند قلعه نادر، قلعه جلاذجان و قلعه طنبور و موقعیت تسخیرناپذیر بسیاری از قلاع کوهستانی (که عمدتاً دژهای دفاعی تسخیرناپذیر، گردکوه‌ها، بودند)، حاکی از آن است که اسماعیلیان حضور سیاسی - نظامی پررنگی در منطقه طی دوره سلجوقی داشته‌اند. حضور حسن صباح در سرحدات آرجان با رامهرمز و ناصر خسرو در این کوره، نشان می‌دهد که جنوب غربی ایران در جغرافیای سیاسی - نظامی اسماعیلیان و گسترش نهضت آنان به ایران، تأثیر و اهمیت زیادی داشته است. تأمین بُنه اقتصادی و معیشتی قلعه سعادت‌کوه در دوره کیابزرگ امید، نشانه حضور فعال اسماعیلیان تا اواسط سده ششم هجری، یعنی پایان دوره سلجوقی بوده است.

کتابشناسی

- آزادی، احمد، گزارش فصل چهارم بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه‌ی کهگیلویه، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱۳۹۱ش.
- ابن‌اثیر، عزالدین، تاریخ کامل اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، موسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱ش.
- ابن‌بلخی، فارسنامه ابن‌بلخی، توضیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۵ش.
- اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل، «گزارش مقدماتی کاوش نجات‌بخشی در بندر تاریخی سیراف» مجموعه مقاله‌های نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۳۸۶ش.
- اقتداری، احمد، خوزستان و کهگیلویه و ممسنی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹ش.
- ایوانف، ولادیمیر، «ناصر خسرو و اسماعیلیان»، کتاب اسماعیلیان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۹۲ش.
- باسورث، ادmond کلیفورد، سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱ش.
- برتلس، آ.د، ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه آریز پور، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ش.
- جوینی، عظاملک، تاریخ جهانگشای، نگارش منصور ثروت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.
- جیهانی، ابوالقاسم احمد، اشکال العالم، ترجمه عبدالسلام کاتب، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، جغرافیای حافظ ابرو، به تصحیح صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵ش.
- حسینی منشی، محمد میرک، ریاض الفردوس خانی، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۵ش.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، مصصح مصطفی عبدالقادر عطار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- رایگانی، ابراهیم، مهدی موسوی کوهپر و جواد نیستانی، «واکاوی عوامل موثر بر ویرانی ارجان پس از چندین قرن رونق و شکوفایی» فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۸، ۱۳۹۴ش.
- دفتری، فرهاد، تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز، ۱۳۹۱ش.

- رجبی، نوروز، گزارش نهایی بررسی باستان شناختی شهرستان بهمنی، یاسوج، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۹ ش.
- رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ: اسماعیلیان، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس‌زنجانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ ش.
- زرکوب شیرازی، احمد ابن‌ابی‌الخیر، شیرازنامه، شیراز، موسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس، ۱۳۹۰ ش.
- سپیدنامه حسین، احمد صالحی کاخکی و حشمت‌الله سپهوند، «پایگاه فرهنگی قلعه حص و کنشت مجوسان در سده‌های نخستین اسلامی» مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۳۴، ۱۳۹۵ ش.
- سپیدنامه حسین، احمد صالحی کاخکی، هاشم حسینی و ابراهیم رایگانی، «مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع و دژهای دفاعی کوره ارجان از صدر اسلام تا پایان سلجوقی» مجله مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۱۱، ۱۳۹۹ ش.
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ج ۱۷، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ ش.
- عطایی، محمدتقی و زارع، شهرام، «گزارش برنامه مطالعات باستان‌شناسی سد چم‌شیر؛ شهرستان گچساران، استان کهگیلویه و بویراحمد (فصل یکم؛ زمستان ۱۳۹۵)»، گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات)، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۷ ش.
- فدایی خراسانی، محمدبن زین‌العابدین، هدایه المومنین الطالبین، تصحیح و اهتمام الکساندر سیمینوف، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳ ش.
- کمالی‌زاد، ژاله، بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلعه خان‌لنجان، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، ۱۳۸۸ ش.
- کیوانی، مهدی، پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی، ترجمه یزدان فرخی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۵ ش.
- گاوبه، هاینس، ارجان و کوه گیلویه، ترجمه سعید فرهودی، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹ ش.
- لوئیس، برنارد، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۲ ش.
- مستوفی، حمدالله، نزهه‌القلوب، بکوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶ ش.
- مقدسی، محمد ابن احمد، احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت

مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش.

ناصرخسرو، سفرنامه ابومعین حمیدالدین ناصر بن خسرو قبادیانی، بکوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۴۴ش.

ویتکمب، دونالد، «خلیج فارس در آغاز دوره اسلامی؛ مشارکت باستان‌شناسی با تاریخ منطقه‌ای» خلیج فارس از قدیمیترین دوران تا کنون، ترجمه محمد آقاجری، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۹۳ش.

ویلی، پتر، آشیانه عقاب: قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزانه روز، ۱۳۸۶ش.

هاجسن، «دولت اسماعیلیه (نزاریان ایران)» اسماعیلیان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۳ش.

یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ترجمه علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۳ش.